

اتحاد نیروها

برای ایجاد جبهه متحد نیروهای مختلف رژیم و دوستار جامعه آزاد و دمکراتیک، ما میچگوند پیش شرطی قائل نی شوم و در عین حال، گفته یا نا گفته، هرگونه شرط یا پیش شرط گزاری از جمله در ارتباط با ماهیت طبقاتی، محتواهی نظرات اجتماعی - اقتصادی، پیشینه سیاسی و مسائل درون سازمانی این یا آن نیروی سیاسی را اصولی ارزیابی نمی کنیم.

ماهیت روند تحولات و رویدادها از جمله نشانگر گسترش پویه امر مبارزه در راه آزادی در ماهیات اخیر در گوش و کنار جهان سوم ادامه در ص ۲



شماره ۳۱۵، دوره هشتم،
سال ششم، ۲۲ خرداد ۱۳۶۹

هم میهنان! آزادیخواهان!

برای نجات جان

نورالدین کیانوری

و

مریم فیروز

دست یاری بسوی شما دراز می کنیم!

جان رفقا نورالدین کیانوری و منم فیروز در معرض خطر جدی است. این دو زندانی سیاسی از فروردین ماه سال جاری منعو
الملقات شده اند.

نورالدین کیانوری با سختی خود در دیدار با کالیندویل جلوه ای از پایداری زندانیان سیاسی ایران را به نمایش گذارد. از اینرو، کینه حیوانی رژیم را نسبت به خود برانگیخت. حال، دُخیمان جمهوری اسلامی با تشديد فشار و اعمال انواع محدودیتها تلافی می ورزند، اراده و روح پایداری او و همسرش، منم فیروز را درهم بشکند و این دو زندانی سیاسی ساختورده را که طی سالهای دراز زندان از نظر جسمی سخت فرسوده شده اند، نابود سازد.

در چنین شرایطی است که ما دست یاری بسویتان دراز می کنیم و از شما می طلبیم برای نجات جان این دو شخصیت سیاسی و اجتماعی که سراسر زندگی خود را نداشته اند صرف پیکار در راه امر زحمتکشان کردند و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی، بانگ اعتراض خود را رساتر سازید.

برای رشد اجتماعی - اقتصادی، آنها بیش از همه به مسابقه تسليحاتی کشانده شده اند. در این زمینه می توان وضع در خاور نزدیک را مثال آورد. در این منطقه جنگ و کشتار انسانها بی وقته ادامه دارد. بیش از دو سال و نیم از مبارزه قهرمانانه خلق عرب فلسطین در سرزمین های اشغالی می گذرد. در این مدت تلاش نیروهای اشغالگر اسرائیلی برای سرکوب نهضت خلق بی تیجه مانده است. پیکار خونین ادامه دارد. جنگ برادرکشی و جنایت آشکار اسرائیل در اردن حد و مرزی نمی شناسد. وضع در منطقه به اندازه ای و خیم است که کسی نمی تواند سیر رویدادها در آینده حتی نزدیک را پیش بینی کند. تشید مسابقه تسليحاتی در خاور نزدیک نیز از اینجا نشات می گیرد. طبق آماری، در دهه اخیر، مبلغ حدود ۶۰۰ میلیارد دلار صرف تدارک نظامی در منطقه شده است. این رقم کویای ژرفای فاجعه است.

به موجب برآورده، در سال ۱۹۸۹ میلادی
ادامه در ص ۲

ادامه گزارش ارائه شده
توسط رفیق خاوری
به پلنوم فروردین ماه

ص ۴، ۵، ۶

مبارزه در راه صلح یکی از عناصر عمدۀ خط مشی سیاسی حزب در مرحله کنونی است. بعضاً می گویند پیکار در راه صلح، در جریان ادامه جنگ ایران و عراق برندگی داشت و اکنون، پس از امضاء قرارداد آتش بس تأثیر خود را از دست داده است. چنین تعبیری از مستله حیاتی صلح و جنگ، در شرایط ابیات بیسابقه سلاح های کشتار جمعی، اشتباه بزرگی است. چرا؟

اولاً، حتی اگر فقط مستله جنگ و صلح میان دو کشور ایران و عراق را هم در نظر بگیریم، گفتن اینکه جنگ پایان یافته خلاصت. وضع کنونی را در بهترین حالت می توان "نه جنگ و نه صلح" نامید. برای استقرار صلح پایدار باید به سیاست نظامی گری در هر دو کشور پایان داد و اختلافات را از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل کرد؛ باید مسائل عقیدتی را که رژیم جمهوری اسلامی به هسته مرکزی سیاست خارجی خود تبدیل کرده است، برای همیشه کنار گذارد.

ثانیاً، وقتی از صلح سخن می رود، منظور تامین صلح و امنیت در سراسر جهان به قصد نجات تمدن بشری از نابودی است. البته در این میان، ما وضع اسفبار کشورهای جهان سوم را بیش از بیش مورد توجه قرار می دهیم.

در اینکه پس از جنگ دوم جهانی، انقلابی در ساخت سلاح های کشتار جمعی روی داده است جای تردیدی نیست. آغاز جنگ هسته ای در شرایط کنونی، به هر علتی، به معنای پایان موجودیت بشر است و هیچ کشوری صرفنظر از شرکت و یا عدم شرکش در جنگ از بھی امدادهای خامان برانداز آن در امان نخواهد بود.

متاسفانه باید اذعان کرد که با وجود نیاز

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح" ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !

تهدید می کند. در بسیاری از این کشورها، حکومت های عصیاً ارجاعی و خود کامه زمام امور را بدست دارند. آنها مسابقه تسلیحاتی و سیاست نظامی گری را برای حفظ موجودیت خود ضرور می بینند. در پاره ای از این کشورها مانند جمهوری اسلامی ایران کشکوش عقیدتی و سیاسی برای توجیه سیاست نظامی گری که هدفش، حفظ رژیم خود کامه مذهبی است، پیش گرفته شده است. از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که مبارزه پیکر در راه صلح نه تنها لازم است، بلکه ضرورت حیاتی دارد. شعار اصلی مبارزه در راه آزادی و صلح و طرد رژیم ولايت فقیه، نتیجه ارزیابی ما از اوضاع حاکم بر جامعه است. مردم ایران خواهان توقف مسابقه تسلیحاتی، پر قراری صلح عادلانه با عراق و پایان دادن به سوء استفاده از عقاید مذهبی، پرای دامن زدن به اختلافات با مسامیکان هستند. این نیز غیرقابل انکار است که دستیابی به این خواست بر حق و عادلانه، نیاز به استقرار آزادیهای دمکراتیک، آزادی پایان و قلم و احزاب و در يك کلام نیاز به رعایت مفاد اعلامیه حقوق پسر دارد. میان آزادیهای دمکراتیک و پایان دادن به سیاست نظامی گری بیرون تکانهای وجود دارد. و به همین سبب باید مبارزه را مرچه بیشتر تشدید کرد.

کشتار جمعی تولید کنند. سازندگان اسلحه در کشورهای رشد پاکته صنعتی در صدور "محصولات" خود به منطقه خاور نزدیک مسابقه گذارده اند برای آنها سرنوشت دردآور انسانها در اینکوهن مناطق مطرح نیست و اساساً نمی تواند باشد.

در موارد زیادی امپریالیسم آمریکا عامل اساسی تشدید تشنج های منطقه ای است. قلعنهای مصوب کنگره آمریکا دایر بر شناسانی اورشلیم به عنوان پایتخت اسرائیل که خشم و نفرت اعراب را برانگیخت را چکونه می توان تعبیر کرد؟ کشورهای عربی و نه تنها آنها، بیاران مراکش از جانب اسرائیل و یا بیاران لیبی توسط چنگنده های آمریکائی را غیب می توانند فراموش کنند. اگر ریگان تجاوز به گراندا را سازمان داد، بوس قرمان اشغال کشور مستقل پاناما را صادر کرد و در هر دو مورد دولت های قانونی آنها سرنگون شدند. دخالت آشکار آمریکا در جنگ ایران و عراق با تمکن نیروی دریائی عظیم در آبهای خلیج فارس و حملات وحشیانه اش به سکوهای شناور و کشتی های ایرانی از خاطره ها محوشندی نیستند.

نکاهی از زاویه سیاسی - نظامی به آنچه در جهان سوم می گذرد، گستره خطر و پیرانی در نتیجه چنگ های منطقه ای را به روشنی نشان می دهد. این خطر، ممه ساکنان جهان سوم را

مبادره در راه ...

در خاور نزدیک ۲۵ هزار تانک، ۴ هزار هواپیماه جنگنده و بیش از ۷ میلیون سرباز و بسیجی متمرکز شده بودند. بیش از ۶۰ درصد صادرات جهانی اسلحه روانه این منطقه می شود.

آن وضع که دیر یا زود می تواند به انگار فاجعه انگیز منجر گردد، نمی تواند مدت زمانی طولانی ادامه یابد. باید توجه کرد که برعی از کشورهای جهان سوم (و نیز خاورمیانه و نزدیک) یا به سلاح های هسته ای و شیمیایی کشتار جمعی مجذب هستند و یا بروزدی می توانند به آنها دست یابند.

همه می دانند که عراق و جمهوری اسلامی ایران، با کمک انصارهای امپریالیستی تولید سلاح های شیمیایی را شروع کرده اند. هر دو کشور در زمینه خرید سلاح های متعارض مدرن مسابقه گذاشته اند. در هر دو کشور خودروهای پرتاپ سلاح های هسته ای وجود دارد که فلا از آنها برای پرتاپ کلاهک های عادی مغرب غیرهسته ای استفاده می شود.

کشورهای عربی که با تهدید دائمی اسرائیل - که مجذب به سلاح هسته ایست - روپارویی هستند، می کوشند تا خود نیز به آن دست یابند و یا حداقل سلاح های شیمیایی

اتحاد نیروها ...

پایان یافتن شب اختناق و ایجاد زندگی انسانی نسبتاً مرتفع هستند. در این رابطه، ممه شواهد گواه برآنست که میان دستاوردهای مبارزه خلق و اتحاد نیروهای مختلف رژیم های خود کامه پیوند جدایی ناپذیر وجود دارد. آنچه که جبهه نیروهای آزادبخوانه در راه افساندن پذیراً کامی و تشکل در بین توده ها متعدد ر عمل می کنند، دستاوردهای چشمگیرتری به کف می آورند.

برایین بیان، بدرستی می توان گفت که در کشورها بدون اتحاد نیروهای خواهان طرد رژیم ولایت فقیه" نمی توان از همه سرنگون سازند. درین نیز شاهد چنین تحولاتی بودم. در سودان گروهی از افسران کوشیدند تا رژیم کودتا را کودتا ناموقنی روی داد و ...

کوتاه سخن، در گله به گله که انسانهای کارد به استخوان رسیده به حرکت در آمده اند. در

کشور ما نیز ظاهرات پراکنده و خودپری روی افزایش است. همه این رویدادها نشانگر ناخشنودی ژرف توده ها از رژیم های خود کامه و خد مردمی حاکم بر آن کشورهاست. درهمه این کشورها، مردم در راه آزادی و عدالت اجتماعی می رزمند. آنها خواهان کار، نان، مسکن، آموزش و بهداشت و درمان و در يك کلام

سیاسی حزب توده ایران (در کوتاه مدت) می خوانیم؛ مشترک در چارچوب جبهه واحد باهمه احزاب و سازمانهای سیاسی و نیز شخصیت ها و جریانهای سیاسی - مذهبی است". در عین حال، بادرنظر داشتن منافع خلق و جنبش، حزب توده ایران "پذیرش هدف جبهه واحد و پیروی از آن را به معنای عقب نشینی شرکت کنندگان در جبهه واحد از موضع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی شان می داند. جبهه واحد فقط نهاد خود را بود و برای تجمع نیروهای ضد رژیم، بدون

تنها آن حزب یا سازمان که از حق حیات و فعالیت دیگر فیروهای سیاسی و اجتماعی دفاع می کند، می تواند به عنوان مدافعانست آزادی به سنگ اعتماد تبدیل شود

کوچکترین تعییض، در يك مقطع زمانی معنی، باست کیری مشخص به مظور دستیابی به مقصد ترین هدف ممکن که به نظر ما، در حال حاضر طرد رژیم "ولایت فقیه" و تامین آزادی و صلح است". در اینجا، بار دیگر تاکید می کنیم برای ایجاد جبهه متعدد نیروهای مختلف رژیم و دوستار جامعه آزاد و دمکراتیک، ما هیچگونه پیش شرطی قائل

متن گزارش ارائه شده توسط رفیق خاوری به پلنوم فروردین ماه

(بخش دوم)

مرحله کنونی مطابقت دارد ترجمه کرده و منتشر می سازند و می کوشند تا آن را به عنوان نظریه حاکم در اتحاد شوروی ارائه دهند.

صرفنظر از اینکه چنین عملی ناصحیح است، چنانکه گفته ایم دوران نسخه برداری سپری شده است. حزب توده ایران دارای ویژگیهایی است که نباید و غمی توان آن را از نظر دور داشت. البته اصل مرکزیت - دمکراتیک پیوندی با این ویژگیها ندارد. ما این اصل را در فعالیت سازمانی بکار گرفته ایم، نه برای اینکه اصولاً ویژه احزاب طبقه کارگر است. مرکزیت - دمکراتیک در احزاب غیر کمونیستی نیز مورد بهره برداری قرار می گیرد. هر حزبی تا آنجا که وضع سازمانی شان اجازه می دهد از این اصل استفاده کرده و می گند. حزب توده ایران معتقد به مراجعات اصل مرکزیت - دمکراتیک است. در هر سازمان سیاسی و یا حتی نهاد اداری، اگر آنها به شکل پاشگاه اداره می شوند، حداقل مرکزیت وجود دارد. بدون "مرکزیت" تشکیل، نه حزب و نه حتی نهاد اداری، امکان پذیر نیست تا چه رسید به اداره آن.

منطق حکم می کند تا زمانی که اصلی جایگزین آنچه به اصطلاح "کهنه شده" نگردیده، نباید آن را از بین برد.

پس از تحولات بنیادین در کشورهای اروپای شرقی اصل مرکزیت - دمکراتیک نیز در آن کشورها به یکی از مسائل مورد بحث تبدیل شد. برای اینکه بتوان آنچه در درون احزاب کمونیستی و کارگری اروپای شرقی در این زمینه می گذرد بدروستی درک کرد، باید خاطرنشان ساخت که اصل مرکزیت - دمکراتیک در آن کشورها نه تنها یک اصل سازماندهی حزبی، بلکه در عین حال، اصل اداره کشور نیز بود. به همین سبب، مثلاً، دانشمندان اتحاد شوروی بطور عمدۀ نه اصل مرکزیت - دمکراتیک، بلکه شیوه ای را که جایگزین آن شده بود واینک آن را مرکزیت - بوروکراتیک می نامند، مورد انتقاد قرار داده اند و می گویند: "دستگاه عظیم اداری" و یا "آپارات" به مشابه منع و سرچشمۀ بوروکراتیسم شیوه استالینی فرماندهی - اداری، امور را هم در حزب و هم در دستگاه دولتی، رایج کرده بود و این یکی از عوامل مؤثر در دفعه شدن سوسیالیسم بشمار می رود.

رقماً می دانند که در اتحاد شوروی هرکسی نظر خود را پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی و... می نویسد. در سال های اخیر عادت شده که عده ای از اعضای حزب ما نیز، بدون درنظر گرفتن آنچه گفته شد، نظراتی را که با خواست آنها در

کند، از صفوں آن کنار گذارده می شود.

به هر حال، حزب توده ایران در شرایط بسیار دشوار مبارزه در داخل کشور نمی تواند و نماید از معیارها و نرمای مرکزیت - دمکراتیک همانند تبعیت اقلیت از اکثریت به معنای اجرای بدون چون و چرای خط مشی سیاسی و برنامه مصوب اکثریت، صرفنظر کند.

چنانکه گفتیم در سال های اخیر، رهبری حزب اصل همه پرسی پیرامون نکات گرهی سیاست داخلی و خارجی را موقع اجرا گذارده و از خرد جمعی در تنظیم اسناد مهم استفاده کرده است. این شیوه کار، به همه اعضاء و هواداران حزب، البته آنهایی که مایل بوده اند، امکان شرکت فعال در تنظیم تصمیمات حزبی را داده است. به نظر می رسد ادامه این روش در مقیاس گسترده و کوشنش در راه تکمیل آن می تواند به تامین وحدت اراده در حزب کمک کند.

از مجموعه آنچه گفته شد یک نتیجه می توان گرفت: "گناه" در نفس مرکزیت نیست. حرف برس طرز و شیوه اجرای آن است. بحث برس همانگ ساختن دو عنصر یک اصل واحد یعنی مرکزیت با دمکراسی است. موضع لین در این زمینه می تواند تا اندازه ای به ما کمک کند. و. ای. لین از برنشتاين برای آن انتقاد کرد که وی نمی توانست ضرورت مرکزیت داوطلبانه را درک کند. برنشتاين مرکزیت را به مثابه چیزی از بالا ترسیم شده تصور می کرد که گویا فقط از جانب کارمندان و نظامیان می تواند تحمل گردد.

مرکزیتی که با روح و شیوه دمکراتیک ایجاد نشده است و روح و شیوه دمکراتیک را اعمال نمی کند معیوب است. مرکزیت واقعی که لین مطرح می ساخت مرکزیتی بود که می بایست از "پائین" داوطلبانه و آکاهانه استقرار یابد. چنین مرکزیتی باید با شرکت همه سازمانها و اعضای حزب بوجود آید. حزب ما طرفدار این مرکزیت است که باید در اساسنامه جدید روی آن تکیه شود. این نیز مسلم است که عوامل بروونی، مثلا، شرایط کار مخفی این روند را تا اندازه زیادی گند می کند و این نیز یک امر گذراست.

آیا می توان اصل مرکزیت - دمکراتیک را از اساسنامه حذف کرد؟ البته کنگره حزب می تواند از آن صرفنظر کند. اما، این عمل ناصحیح و فاقد منطق است. شاید بتوان "توافق دمکراتیک" را باضمون حفظ وحدت نظری در اساسنامه جدید وارد کرد. این خود یک راهی است. در هر صورت مرکزیت نه تنها امروز در شرایط مبارزه مخفی در داخل اهمیت حیاتی دارد، بلکه اصولاً عناصر مرکزیت برای رشد مستمر حزب حتی در شرایط کار علی نیز ضرور است. زیرا در غیر اینصورت نمی توان از خط مشی سیاسی و برنامه واحد، ساختار واحد، حزبی از ارگان های عالی تا پایه، سخن به میان آورد. هیچ حزب زنده و فعل نمی تواند بدون مصوبات ارگان بالاتر، بدون ارگان مرکزی تحت هر نامی، بدون مراجع انصباط آکاهانه و غیره موجودیت خود را حفظ کند. نمی ضرورت وحدت نظری برای تحقق سیاستهای موردن قبول حزب، جز نمی دورنمای آینده فعالیت حزب نبوده و نیست.

اگر آنچه گفته شد صحیح است، در اینصورت باید گفت که این مجموعه از عناصر مشکله مرکزیت - دمکراتیک

مرکزیت - دمکراتیک را با چه اصل نوینی باید تعویض کرد؟ ما، در این زمینه هیچ پیشنهادی دریافت نکردیم. اما، آنچه عده ای از کمونیستها در این یا آن کشور مطرح ساخته اند، روشن است. برخی ها می گویند اصل مرکزیت - دمکراتیک را باید کنار گذارد و تصمیمات متخذه در ارگانهای عالی حزب را به تصویب اعضاء حوزه های حزبی رساند. به بیان دیگر، هر ارگان حزبی، در هر سطحی، پس از مذاکره و تدوین و تصویب قراری و یا سندی باید آن را از تصویب همه اعضای حزب بکذراند و اگر رد شد، باید روند کار را از نو آغاز کند.

این نظر می تواند مثبت تلقی گردد، چرا که همه اعضای حزب را مستقیماً در تصمیم گیری شرکت می دهد. اما حتی این نکته مثبت هم شامل فقط احزاب علی می شود، گرچه چنین روشی منطقاً عملی نیست. به هر حال احزابی مانند حزب توده ایران که کار عمده آن در شرایط مخفی در داخل کشور متتمرکز است و مجریان آن در هسته های غیرمتتمرکز مخفی گرد آمده اند و بخش دیگری از اعضا ایش در مهاجرت و در سراسر جهان پراکنده اند، چگونه می تواند هر سندی را به شکل و شیوه مورد بحث به تصویب همکان برساند؟

باید فراموش کرد که در هر دو حالت، سندی وقیع تصویب خواهد شد که اکثریت بدان رای دهد و بدینسان یکی از عناصر مشکله مرکزیت - دمکراتیک با یک مکانیسم بفرنج تر به مورد اجرا گذارده می شود.

موضوع دیگر مورد بحث، تعویض اصطلاح "مرکزیت - دمکراتیک" با "توافق دمکراتیک" است. توافق به چه شکلی صورت گیرد و یا چه کسانی باید توافق کنند؟ اگر منظور، توافق در ارگان عالی است و شکل آن نیز رای گیری است در این صورت چه فرقی با اصل مرکزیت دمکراتیک دارد؟ اگر هدف نفی وجود خط مشی سیاسی واحد و مورد قبول اکثریت است که چنین عملی، جز تبدیل حزب به باشگاه نبوده و نیست. اگر شق نخست می تواند مورد پذیرش باشد، شق دوم مطرود است.

حزب یک تشکل بسیار بفرنج اجتماعی - سیاسی و یک ارگانیسم زنده و فعل است. پس از انقلاب، حزب در شرایط علنی فعالیت در سراسر کشور، سازمان های خود را بوجود آورد. این ارگانیسم زنده از دهها ارگانیسم زنده دیگر تشکیل شده بود که همه آنها با رشته های متعدد با مرکز حزب ارتباط داشتند. جز این هم باید انتظاری داشت. زیرا سازمان های پائین بدون مرکزیت نمی توانند عمل واحد و مشکلی را انجام دهند. تردیدی نیست که بدون تشکل سازمان های مختلف، یعنی اعضاء آنها پیرامون خط مشی واحد مصوب ارگان عالی حزب و پذیرش انصباط آکاهانه نمی توان حزب را در سمت هدف واحد به حرکت درآورد. هیچ حزبی، صرفنظر از ماهیت آن نمی تواند بدون تامین وحدت عمل، بدون تعیت اقلیت از اکثریت، به برنامه و خط مشی سیاسی خود تحقیق بخشد.

تصویر نمی رود که رفقا، حزبی را سراغ داشته باشند که در آن وحدت نظر میان اکثریت وجود نداشته باشد. حتی در احزاب سوسیال دمکرات که معمولاً خود را دمکرات ترین احزاب می دانند، اگر فردی علیه سیاست رسمی حزب قیام

چنین مواردی جنبه تئوریک داشت.

اما، اکنون بحث پرس دادن تربیون به رفتایی است که با مصوبات ارگان‌های عالی حزب مخالف هستند. آیا می‌توان با این نظر موافقت کرد؟ در شرایط تعدد بی‌حد نظرات اگر پیشنهاد برخی‌ها دایر بر دادن امکان انعکاس همه آنها در "نامه مردم" عملی گردد، حزب آگاهانه در راه ایجاد سردگمی برنامه‌ای کام‌برخواهد داشت.

ما معتقدم که علاوه برنظرخواهی درباره استاد برنامه‌ای و اساسنامه‌ای، همه اعضای حزب می‌توانند بحث پیرامون مسائل نظری را در مجله "دنیا" ادامه دهند. در این مورد مثلاً طبق تصمیم هیئت سیاسی شعار آزادی و صلح و سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" مصوب پلنوم دیاه در مجله "دنیا" به بحث گذارده شد. متأسفانه رفتایی که به هر علتی با این شعارها موافق نیستند و یا بحث پیرامون اینکوئه مسائل را ضروری می‌دانند و معتقد به انعکاس نظرات مخالف هستند پاسخی به خواست هیئت تحریریه درباره ارسال نظرات خود ندادند.

به هر حال پیشنهاد می‌شود تا در قطعنامه پلنوم ماده‌ای درباره انتشار نظرات تئوریک اقلیت و بحث پیرامون آنها به تصویب رسد. برای این بحث بخشی از صفحات مجله "دنیا" اختصاص داده شود.

معمول وقتی از دمکراسی درون حزبی سخن می‌رود، روی یک موضوع تکیه می‌شود؛ تشکیل کنگره سوم از طریق انتخاب غایبیندگان در حوزه‌های حزبی و نیز انتخابی کردن همه ارگانها، از پائین تا بالا در کمیته‌های کشوری.

می‌توان گفت اگر انتخاب در حوزه‌ها را که در برخی سازمانها معمول است کنار بگذاریم، تاکنون بقیه مسائل مطروحه مراءات نشده‌اند. علت چیست؟ پلنوم های کمیته مرکزی و در درجه اول کنفرانس ملی به اتفاق آراء تصویب کرده‌اند که در یک حزب دو معیار برای ایران و مهاجرت نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما، پلنوم کمیته مرکزی طبق رسمی که در حزب ما

جاری بوده می‌تواند در این اصل تغییراتی بدهد.

برای اینکه اصل حیاتی حفظ وحدت حزب مراءات گردد، باید بخش مهاجرت را که در آن رفاقت اکثرا نیازی به پنهانکاری نمی‌بینند به شکلی متناوت از ایران، ولی همچنان در راه بهره‌گیری هرچه نیز و مدنده در تقویت فعالیت رقای درون کشور هدایت کرد. فقط در این صورت می‌توان به مهاجرت دمکراسی کامل در انتخاب ارگانها را داد. پیشنهاد می‌شود که از هم اکنون کار در مهاجرت را به شکلی مستقل، و در عین حال در پیوند ارگانیک با فعالیت حزب در ایران پذیرفت و در مهاجرت نوعی استقلال در ابتکار عمل درون حزبی برای بازبودن دست واحدهای حزبی در اجرای تصمیمات ارگانهای عالی حزب بموقع اجرا گذارد. منظور چیست؟ سازمان‌های ما در سراسر جهان پراکنده اند و شرایط کار آنها با یکدیگر متناوت است. بنابراین، باید به هرسازمانی در این یا آن کشور اجازه فعالیت مستقل با توجه به شرایط محلی داد. هر سازمانی می‌تواند طبق خواست اعضاء، ارگانهای اداره کننده را از پائین به بالا انتخاب کند. معیار انتخابات نیز می‌تواند گوناگون و در ارتباط مستقیم با شرایط محل باشد. آنچه مهم است، همه امور باید براساس

پیشمار می‌رود. ما می‌گوییم عناصر، زیرا مرکزیت فقط جزء کوچکی از مناسبات درون حزبی است و هسته مرکزی آن را دمکراتیسم گسترشده تشکیل می‌دهد، یعنی تامین حاکمیت کامل اعضای حزب. اینست آن موضوع عمدۀ که باید در اساسنامه جدید مورد توجه قرار گیرد. در پیوند با مسائل اساسنامه ای دو موضوع بسیار مهم که دارای پیوند متقابل هستند نیز مطرح است. این دو موضوع، عبارتند از: انصباط آگاهانه و "حق اقلیت".

اینکه انصباط حزبی در مهاجرت سست و در مواردی توسط افراد معینی به هرج و مرج کشانده شده، تردیدی نیست. این افراد برای "اثبات حقانیت" خود از "حق اقلیت" که گویا پایمال می‌شود سخن می‌گویند.

در حزب ما کار بجائی کشیده که حتی برخی از اعضای کمیته مرکزی از دعوت به مراءات انصباط "خجالت" می‌کشند و تصمیمی را که خود برای پایان دادن به هرج و مرج درون حزبی به آن رای داده اند، نفی می‌کنند و این عمل خود را "تجلى دمکراسی" در حزب می‌نامند. یا برخی از اعضای هیئت سیاسی تصمیم اتخاذ شده را زیرها گذارده و مضمون بحث‌های هیئت سیاسی را حتی به شکل تحریف شده در خارج پخش می‌کنند. آیا این رفقا صرفنظر از هر هدفی که تعقیب می‌کنند این عمل را ضد دمکراتیک می‌دانند؟

بدون مراءات انصباط آگاهانه، آن هم در شرایط بسیار پغرنجی که حزب ما قرار دارد، نمی‌توان از انسجام حزب سخن گفت. وقتی در حزب انسجام وجود نداشته باشد، طبعاً دچار انفعال خواهد شد. بنابراین، پلنوم باید صریحاً "نظر" تاصحیح "یا دمکراسی یا انصباط" را قاطع‌انه رد می‌کند. یا و یا "نمی‌تواند در یک حزب زنده و فعال وجود داشته باشد. دمکراسی و انصباط لازم و ملزم یکدیگرند. آنانی که می‌اندیشنند دمکراسی یعنی بی انصباطی و هرج و مرج، سخت در اشتباہند و نادانسته بر دشواریهای حزب می‌افزایند".

اگر ما می‌خواهیم به حزب نیرومندی در کشور تبدیل شویم، نسخه آن روش است: مراءات جدی و آگاهانه انصباط، مراءات دمکراسی درون حزبی، داشتن فرهنگ سیاسی بحث و آمادگی مبارزه در راه وحدت اراده حزب. هر فردی که برنامه و اساسنامه حزب را می‌پذیرد وظیفه دارد در راه تحقق آن پیکار کند. باید این گفته‌لنین را آویزه گوش کرد که حزب بدون انصباط، حزب نیست.

بدینسان می‌رسیم به موضوع دیگر، یعنی "حق اقلیت". وجود نظرات گوناگون و در مواردی مخالف در حزب ما، موضوع جدیدی نیست. در گذشته رسم براین بود که این نظرات هیچگاه از هدف نهایی منحرف نمی‌شدند و در آخرین تحلیل حاملان آنها آمده وحدت برای دستیابی به آماج نهایی حزب بودند. اما، اختلاف نظر برسر مسائل نظری، اجتماعی و اقتصادی و ... از جمله مسائل عادی در حزب بود. در مجله "دنیا" مقالاتی منتشر می‌شد که فقط اندیشه‌های این یا آن مولف را منعکس می‌کرد. هیئت تحریریه "دنیا" در سرلوحة اینکوئه مقالات خاطرنشان می‌کرد که نظر ارائه شده در مقاله از مصوبات حزب نیست و بحث پیرامون مطالب آن آزاد است.

برحسب آراء داده شده آن عده را انتخاب کرد و بقیه اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی را از رهبری کنار گذاشت.

اینگونه پیشنهادات نمی تواند مورد قبول واقع شود. اعضای کمیته مرکزی را، آن هم اگر تخلفی کرده باشد با دو سوم آراء می توان کنار گذارد. وانگوی به چه علت باید اکثر اعضای کمیته مرکزی را کنار گذارد؟ پیشنهاد می شود کمیته مرکزی یک کمیته اجرائی مرکب از ۱۱ تا ۱۵ تن انتخاب کند و آنها نیز از میان خود یک صدر و یک معاون صدر برگزینند. جلسات کمیته اجرائی ۶ ماه یکبار تشکیل خواهد شد. کمیته اجرائی موظف خواهد بود علاوه بر اجرای قطعنامه پلنوم فروردین ماه، کمیسیونهای چندی برای تهیه برنامه و اساسنامه باشرکت دیگر اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی با درنظر گرفتن تجمع جفرایانی آنها انتخاب کند. این کمیسیونها می توانند و باید نه یک طرح، بلکه طرح های گوناگون برنامه و اساسنامه را مستقلانه تنظیم کنند که سپس در کمیسیون واحدی طرح نهایی تنظیم و برای نظرخواهی به اعضا و هاداران حزب داده خواهد شد.

کمیته اجرائی باید در ارتباط مستمر با اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی باشد و گزارش فعالیت خود را بطور منظم و کتابخانه آنها بگذارد و رفقا نیز پیشنهادات و نظرات خود را در اختیار کمیته اجرائی بگذارند.

مسئله مشکلات مالی حزب، هم در پلنوم دیماه و هم در جلسات عدیده هیئت سیاسی مطرح شده است. از رفاقت پنهان نیست که حزب ما با مشکلات مالی روپوش است. چه باید کرد؟ باید نشریات حزب به حداقل برسند و از تمام امکانات مالی سازمانها برای اداره حزب و در درجه اول کار تبلیغاتی و اداره هسته های مخفی استفاده کرد.

پیشنهاد می شود فعلاً به انتشار "نامه مردم" و "توده نیوز" و در صورت امکان "دنیا" (سه ماه یکبار) اولویت داده شود. یکانه شرط در این زمینه دادن استقلال به دایره نشریات حزب است تا ارگان حزب را فقط برای سازمانهای ارسال دارد که حاضر به پرداخت حق آبونمان هستند. این اصل شامل مجله "دنیا" نیز خواهد بود. باید به نشریات اختیار داد در صورت خودداری سازمانها از پرداخت آبونمان، ارسال روزنامه قطع شود.

گرچه سازمان توده ای فقط می تواند در داخل کشور عمل کند، ولی حزب دارای سازمانهای توده ای در مهاجرت است. البته هدف ما از حفظ سازمانهای توده ای یا صریحتر گفته باشیم رهبری آنها، استفاده از ارگانهای جمعی بین المللی بود که ما هم عضو آن بودیم. در ارتباط با تحولات اخیر در اروپای شرقی، ارگانهای بین المللی سابق نیز دیگر قادر به ادامه کار نیستند و طبعاً ما هم نمی توانیم از آنها استفاده کنیم. به همین سبب پیشنهاد شود کار سازمانهای توده ای در خارج متوقف گردد و بجائی آنها هرچه بیشتر تکیه کرد.

رفاقت اعزیز!

با درنظر گرفتن محدودیت وقت پلنوم، مهمترین مسائلی که بحث پیرامون آنها ضروری است به اطلاع شما رسید. پلنوم کمیته مرکزی باید تصمیمات روشنی درباره مسائل عمده مطروحه اتخاذ کند.

خواست اعضا سازمان داده شود. سازمان های انتخاب شده از مرکز رهنمود کلی دریافت خواهند کرد. امور سازمانی و تبلیغی و ترویجی آنها مستقلان انجام خواهد گرفت. همه سازمانها موظف خواهند بود مبلغی برای تامین هزینه های حزب به مرکز پرداخت کنند.

شرايط زير باید مراجعات گردد:

۱- در همه سازمانها تعداد افراد حزبی باید دقیقاً تعیین گرددند.

۲- همه سازمانها باید مصوبات کمیته مرکزی را رهنمود عمل قرار دهند.

نایاب فراموش کرد که حزب در شرایط مخفی فعالیت می کند. در این مورد، اصول چهارگانه مخفی کاری مصوب کنفرانس ملی درباره کار در داخل به قوت خود باقی ماند. اینکه واحد ها در داخل چه تصمیمی درباره بهره گیری از دمکراسی اتخاذ خواهند کرد مربوط به تشکیلات کل و هسته های حزبی در ارتباط با آن است. در هر حال، اولویت از آن هسته های مخفی و اعضای آنهاست.

موضوع دیگر تشکیل کنگره حزب است. پیشنهاد می شود که تدارک کنگره به عهده رهبری آینده گذارد. شرکت کنندگان در کنگره باید طبق معیارهایی که کمیته مرکزی از تصویب می گذراند و از طریق انتخابات آزاد، مستقیم و مخفی انتخاب شوند. انتخاب نایاندگان شرکت کننده در کنگره باید در حوزه های حزبی انجام گیرد.

عده ای از رفاقت امن امور حزبی را اداره می کنند. اموری که دیگر رفاقت انجام آن سر باز می زند. باید تدبیری اندیشید که اینگونه رفاقت، یعنی کادرهای حزبی در کنگره شرکت جویند. طبیعی است که رهبری آینده پایپای تدارک کنگره در صورت تصویب کمیته مرکزی باید امکانات مالی ضرور را نیز با همکاری فرد - فرد اعضای حزب فراهم آورد.

طبیعی است که بدون جلب موافقت هسته های مخفی در داخل کشور هیچ کنگره ای دارای قدرت عمل و نفوذ نخواهد بود. این نیز مسلم است که برای حفظ امنیت اعضای هسته های مخفی به هیچ وجه نایاب در کنگره خارج از کشور شرکت جویند. در این مورد نیز باید تشکیلات کل با رفاقت در داخل مشورت کند و به خواست آنها تحقق بخشد.

رفاقت!

شما می دانید که حزب ما پس از تحولات اخیر در جهان، در شرایط کاملاً جدیدی فعالیت می کند و لذا باید شیوه های نوین بکار گیرد. هم اکنون تعداد اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی حدود ۵۰ نفرند. گرداوردن چنین جمعی بدلاطی مختلف دشوار است و طبق تصمیم قبلی امکان پذیر نخواهد بود. رفاقت ای پیشنهاد کرده اند تا تعداد اعضای کمیته مرکزی تا ۱۵ نفر تقلیل داده شود. اما، اینکه چگونه باید این تصمیم بورد اجرا درآید، نظری داده نشده است. مثلاً، آیا ۱۵ نفر فقط باید از میان اعضای اصلی انتخاب شوند؟ در این صورت تکلیف اعضای مشاور چه خواهد بود؟ می گویند باید فهرست ۱۵ نفری را به رای گذارد و

شد. به اعتقاد کارگران این عمل از طرف خود انجمن اسلامی صورت گرفته تا جو کارخانه متشنج شود و آنها بتوانند براین بستر دویاره ابتکار عمل را بدست آورند. در جریان این اعتراض ۱۵ نفر از فالین منفی در کارخانه به سپاه فراخوانده شدند.

چند خبر گوتاه از دیگر واحدهای تولیدی

در کارخانه پوشینه بافت قزوین به دنبال افزایش حقوق تعدادی از نورچشمی‌ها، کارگران دست به اعتراض می‌زنند.

□ دری اعتراض کارگران کارخانه نجع البرز، واقع در شهر صنعتی قزوین، کلانی، مدیر کارخانه، عوض شد.

□ بدنبال اعتراضات کارگران کارخانه ایرساکو، واقع در شهر صنعتی قزوین، صمیمی، مدیریت کارخانه، از کارخانه اخراج گردید. در ضمن شورای کارخانه با کارگران در این امر همکاری داشت است.

□ کارگران فنی ای که زیرنظر سپاه کار می‌کنند، از هیچگونه مزایای قانونی برخوردار نیستند. حتی در ازای اضافه کاری به آنان حقوق پرداخت نمی‌شود. به معنی دلیل، کارگرانی که موفق به پیداکردن کار جدید می‌شوند، قوری کار در سپاه را ترک می‌کنند. این پدیده از جمله در پادگان شهید بروجردی سپاه (زندیک کرج) به نحو بارزی دیده می‌شود.



از کارخانه‌ها زنگی و رزم کارگران

واحدهای تولیدی این کارخانه نیز تا به حال چندین بار چهت دستیابی به خواستهای صنفی شان، دست به اعتضاب چند ساعت زده اند. در این کارخانه حق سنتوات بازنشستگی را که وزارت کار ۳۰ روز برای هرسال در نظر گرفته، به ۲۰ روز کاملاً داده اند.

اعتراض در معدن شاهزاد

در اوایل بهمن ماه سال پیش، دو نفر از کارگران صنایع و معدن البرز شاهزاد، پرایر گازهای داخل معدن خفه می‌شوند. کارگران که دلیل خفکی دونفر از همکاران خود را نبودن وسایل کافی برای تهیه هوا در معدن می‌دانستند، مدتی دست از کار می‌کشند و خواستار مجازات مدیدعامل معدن می‌شوند.

اعتراض در کارخانه سرما آفرین (ترموفریک) قزوین

دری اعتراض کتبی و تلاش موثر شورای کارخانه سرما آفرین قزوین مدیریت خود کارگری کارخانه عوض شد. انجمن اسلامی با عوض شدن مدیریت بشدت مخالف بود. بدنبال این ماجرا شعار "مرگ بردارودسته خمینی، ..." روی در توالی کارخانه نوشته

اعتراض در کارخانه چیت سازی تهران

مدتی پیش، کارگران فنی کارخانه چیت سازی تهران در اعتراض نسبت به نوعه اجرای ناصحیح طرح طبقه بندی مشاغل و پائین بودن حقوق خود، اقدام به کم کاری کرددند. کم کاری اعتراض آمیز کارگران فنی تا سه مقطعه ادامه یافت و تدریجاً به سایر قسمت های کارخانه سرتاسری کرد. مدیریت که از پیوستن بقیه کارگران به کارگران فنی به وحشت می‌افتد و در صدد مقابله برمی‌آید، در اجتماع کارگران فنی حاضر می‌شود و می‌گوید که "طرح طبقه بندی مشاغل طبق قانون ا gamm شده و ما نمی‌توانیم از این بیشتر به شما پرداخت کنیم".

کارگران که در کمیته طبقه بندی مشاغل نماینده نیز داشتند و از زیرهم مسئله باخبر بودند، ثابت کردند که طرح طبقه بندی مشاغل درست اجرا نشده است و خواهان مذاکره با مدیرعامل کارخانه شدند. مدیر عامل از پذیرش این درخواست امتناع ورزیده و تهدید می‌کند که اگر کارگران فنی به کم کاری پایان ندهند، از وزارت اطلاعات تقاضای دخالت می‌کند. کارگران فنی با پشتیبانی صدها تن از دیگر کارگران کارخانه در پاسخ به تهدیدهای مدیرعامل، نامه اعتراض آمیز به وزیر کار می‌نویسند و خواهان رسیدگی به اختلافات خود با مدیریت کارخانه، تصویب قانون کار بسود کارگران و اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل و مواردی دیگر می‌شوند. پس از گذشت یک هفته از این موضوع، یکی از مهندسان قسمت تعمیرات که بطور ضمنی از خواست کارگران حمایت کرده بود، با ۱۲ سال سابقه کار اخراج می‌گردد. لازم به توضیح است که کارگران

پاره‌هایی از نامه اعتراض آمیز کارگران کارخانه سیمان شمال

این نهاد می‌باشد هیچگونه عکس اعملی نشان نمی‌دهند، بلکه از او نیز حمایت می‌کنند، هرچند که آبروی انسان هایی از بین بود و در این نهاد معلوم نمی‌باشد. چه خطی حاکم است اینکه حرکتها مانند حرکت آمریکاست که دم از حقوق بشر زده ولیکن خود قدرانه عمل می‌کند و کسی نمی‌تواند به او بگوید بالای چشمت ابروست. کارگران سیمان ... باید آگاه و هشیار باشند که ... زنگرهای بندگی و بردگی آمریکا و عوامل او نشوند.

عملکرد آنان به نظر می‌رسد نتشن این انجمن سرکوب نمودن و به خفقات درآوردن کارگران است که غونه آن (در) عملکرد آنان به عنی مشاهده می‌گردد. مانند کشاندن بعضی از کارگران به دادگاه و پاسکاه و یا اگر کارگری ناگاهانه اشتباهی از او سریزند، فوراً اخطار و به قول معروف مورد سین - جین قرار می‌گیرد. اما عضوی از انجمن خاطی اخمام دهد یا تک حرمت یا بیشمرمی تایید معلوم نمی‌باشد به کجا باید شکایت برد تا مورد تنبیه قرار گیرد؟ و افرادی که خود را اسلامی قلمداد می‌نمایند و در

نامه ای به امضا، "گروه وحدت کارگران مسلمان" به مدیرعامل کارخانه ارسال می‌شود. از آنجا که نامه دارای برقی نکات در خور توجه است، پاره‌هایی از آن را در زیر می‌آوریم.

۶ بسم الله الرحمن الرحيم.

همکاران عزیزاً کارگران زحمتکشی با اینکه هنوز یک دهه از انقلاب اسلامی نکذشته است و هنوز خون شهدای گلکون کنن ما خشک نشده است، حرکت های شوم و مرموزی که نشانه های آن را در زمان طاغوت دیده اید به رهبری

نشست فوق العاده سران دولت های عرب

نشست فوق العاده سران دولتها و کشورهای عرب به کار خود در بغداد یاپان داد. به گزارش خبرگزاریها، در قطبنه پایانی این دیدار، از سیاست دولت اسرائیل شدیداً انتقاد شده است. سران دولتها و کشورهای عرب مهاجرت یوهدیان به اسرائیل را محکوم کردند و آن را به عنوان "تهدید جدی برای امنیت ملی اعراب" ارزیابی کردند. رهبران کشورهای عربی ضمن اعلام پشتیبانی از قیام فلسطینی ها، لزوم گسترش کمک مهه جانبه تا نیل به هدف همانی یعنی تشکیل دولت فلسطینی را اعلام کردند.

تحکیم دمکراسی ضامن بهبود وضع اقتصادی

روسی جمهوری ۶ کشور قاره آمریکا - آرژانتین، بولیوی، بربزیل، پاراگوئه، اروگوئه و سورینام - تلاش برای تحکیم دمکراسی، احترام به حقوق بشر و گسترش مکاری و مپیوندی منطقه ای را به عنوان ضامن بهبود وضع اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین اعلام داشتند. آنان برای شرکت در پیشین نشست جمعی عمومی سازمان دولتهای آمریکائی که همزمان با سدهن سال تشکیل سیستم بین آمریکائی است در پایتخت پاراگوئه پسر می بردند.

۶۵ سنت از هر دلار

خانواده های فوق العاده ثروتمند که در حدود نیم درصد همه خانواده های آمریکائی را تشکیل می دهند، صاحب حدود ۲۰ درصد از دارانی کشور هستند. بدیگر سخن، ۶۵ سنت از هر دلار در ایالات متعدد، که به شکل از اشکال سرمایه کناری شده و یا در حال گردش است، به ۱۰٪ خانواده از بین ثروتمندترین خانواده های آمریکائی تملق دارد. چنین است یکی از تیجه گیریهای پوشش موسیس زیلتین، پرسفسور جامعه شناس دانشگاه کالیفرنیا که در روزنامه لوس آنجلس تایمز درج گردیده است. این داشتمد خاطرنشان می سازد که درواقع یک گروه ممتاز کوچک از مردم، بر آمریکا فرماتراوی می کند.

سرمایه داری آخرین کلام تاریخ نیست

قراری را به تصویب رساند که طبق آن کمیسیون همه خبرهای مربوط به دارانی حزب سوسیالیسم دمکراتیک را دریافت خواهد کرد. با وجود تاختی تصمیم مجلس، حزب با ایستادگی بروموضع حقوقی به اعضای کمیسیون یاری خواهد رساند.

افزون براینها، گریکورگیزی، درنامه ای خطاب به اعضا و هواداران حزب خاطرنشان می سازد که تصمیم مجلس درباره تشکیل کمیسیون فوق العاده برای رسیدگی به اموال برخی از احزاب و سندیکاهای و قبل از همه برای رسیدگی به اموال حزب سوسیالیسم دمکراتیک، هیچ یا به قانونی ندارد. این تصمیم نه تنها در تقاضا با قانون اساسی جمهوری دمکراتیک آلمان، بلکه حتی در تضاد با قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان است. در نامه، تحلیلی از اهمیت سیاسی تصمیم مجلس ارائه می شود. به بارگیزی، هدف از این تصمیم، متلاشی ساختن حزب سوسیالیسم دمکراتیک است. او اشاره می کند که این تصمیم، ارتباط تنکاتنگ با قرارداد دولتی درباره اتحاد بولن، اقتصادی و اجتماعی با آلمان فدرال دارد. اکنون تخریب اقتصاد ملی جمهوری دمکراتیک آلمان در شرق تکرین است. آلمان دمکراتیک قیصرترین پخش آلمان خواهد شد که از ویژگیهای آن دستمزد های پائین و قیمت های بالا خواهد بود. وحدت احزاب سیاسی آلمان دمکراتیک و آلمان فدرال به آنچه خواهد انجامید که در آلمان آینده فقط حزب سوسیالیسم دمکراتیک از منافع شهروندان پیشین جمهوری دمکراتیک آلمان دفاع خواهد کرد.

گیزی می افزاید که در اینجا صحبت از ویژگی آلمان واحد است آلمانی که بسیاری از اروپایی ها از آن بیم دارند. او همچنین می کوید آلمان های سوسیالیستی به زندگی خود ادامه خواهد داد. سرمایه داری آخرین کلام تاریخ نیست.

اکثریت مایندگان مجلس خلق جمهوری دمکراتیک آلمان تصمیمی را درباره تشکیل کمیسیون فوق العاده در مقترن نخست وزیری از تصویب گذراندند. این تصمیم که هدفش محروم کردن حزب سوسیالیسم دمکراتیک از وسائل مادی است، خشم نیروهای چه و دمکراتیک این کشور را برانگیخت.

درین آن و در ارتباط با این موضوع، روز ۶ زویله، در میدان لوست گارتنت برلین میتنیک اعتراضی پاشرکت ۶۵۰۰۰ تن پرگزار گردید.

روی پلاکاردهای که شرکت کنندگان در میتنیک با خود حمل می کردند نوشته شده بود که تصمیم مجلس ضد دمکراتیک و دریوند یا ابورزیسیون چه، عملی است خودسرانه و غیرقانونی. در پلاکاردها همچنین هشدار داده می شد که هدف از این تصمیم آنست که در نهایت حزب سوسیالیسم دمکراتیک را غیرقانونی کنند.

گریکورگیزی، صدر حزب سوسیالیسم دمکراتیک، در سخنرانی خود به خصلت خطرناک تصمیم درباره تشکیل کمیسیون فوق العاده اشاره کرد. او از اینکه در گرفتن این تصمیم، مایندگان حزب سوسیال دمکرات نیز شرکت کردند، ابراز تأسف کرد و گفت که وجود ابورزیسیون نیرومند چه در تعیین سیمای آلمان واحد آینده اهمیت زیادی خواهد داشت. جنبش نیرومند سوسیالیستی در آلمان، نه تنها برای خلق آلمان، بلکه برای همه خلق های اروپا دارای اهمیت زیادی است.

هرمیل، نویسنده خد فاشیست و شال، هنریشه مشهور و دیگر مایندگان نیروهای چه و دمکراتیک نیز در مقابل شرکت کنندگان در میتنیک سخنرانی کردند. آنها گفتند که تصمیم فعلی مجلس، ادامه تصمیم پیکرده است که متوجه نیروهای سوسیالیستی در آلمان کاپزرو و فاشیسم هیتلری بوده است. هیئت رئیسه حزب سوسیالیسم دمکراتیک

کمونیستهای ترکیه از فعالیت زیرزمینی خارج می شوند

مورد بررسی قرار خواهد گرفت و بد مراجع ذیصلاح لرستانه خواهد شد.

حیدرکوتلو و نیهات سارگین، رهبران حزب کمونیست ترکیه به همراه رقایشان با درخواستی رسمی برای به ثبت رساندن سازمان حزبی خود به وزارت کشور ترکیه مراجعت کردند. مصطفی چیتن، وزیر کشور، درخواست را دریافت کرد و گفت که بر طبق قانون احزاب سیاسی درخواست درمودع مقرر

برایه گزارش خبرگزاری آناتولی روز ۶ زویله حیدرکوتلو و نیهات سارگین، رهبران حزب کمونیست ترکیه به همراه رقایشان با درخواستی رسمی برای به ثبت رساندن سازمان حزبی خود به وزارت کشور ترکیه مراجعت کردند. مصطفی چیتن، وزیر کشور، درخواست را دریافت کرد و گفت که بر طبق قانون احزاب سیاسی درخواست درمودع مقرر